



LIDA Stories

lidastories.net

رفتی به رختخواب / Ir para a cama

✎ Espen Stranger-Johannessen

👤 Aakane

👤 Sam Saf (fa), Susana Coimbra (pt)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>

رفتی به رختخواب

Ir para a cama



✎ Espen Stranger-Johannessen

👤 Aakane

👤 Sam Saf

|| 2

🗨️ فارسی / português / pt



اون خیلی خسته است.

...

Ele está muito cansado.

Está na hora de ir para a cama.

...

وقت رفتن به تخت.





اون به دستشویی میره.

...

Vai à casa de banho.

Sonha.

...

اون خواب متنبنه.



Escova os dentes.

...

اون دندونشو مسواک مینزنه.

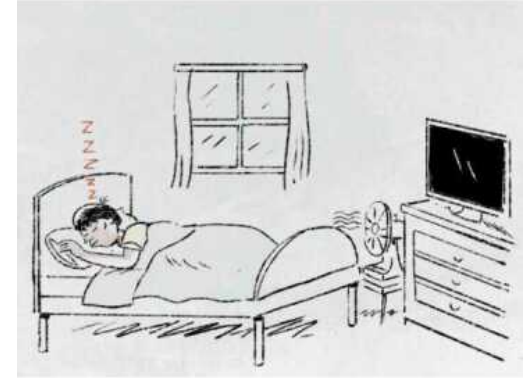




اون به لائق خواب ميره.

...

Vai para o quarto.



اون به خواب ميره.

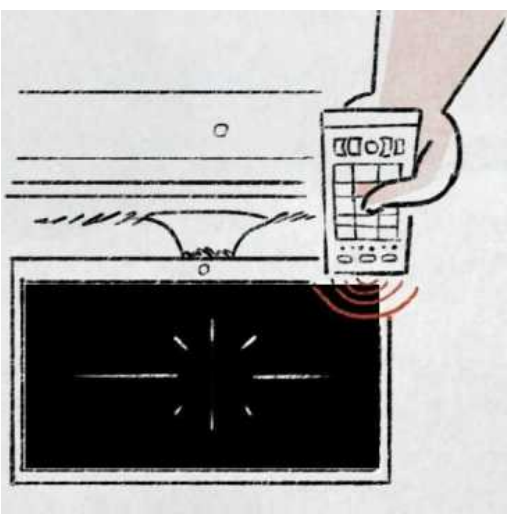
...

Vai dormir.

Desliga a televisão.

...

اون تلويزيون رو خاموش می کنه.

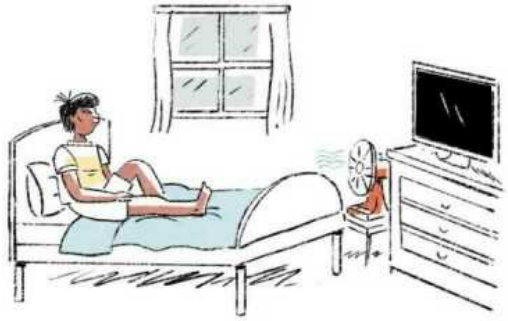


Tira a roupa.

...

اون لباسش رو درمخوره.





اون روی تخت می‌شیننه.

...

Senta-se na cama.



اون تلویزیون ته‌ده می‌کنه.

...

Vê televisão.